



معصومه فرمانی کیا - سر شلنگ را بیشتر فشار می‌دهیم تا آب شرب و تصفیه شده با جریان تندتری به شبکه فاضلاب پیوندد. می‌رویم زیردوش حمام و همه ماجراهای ریز و درشت روزمان را مرور می‌کنیم. یک ساعت تمام به چرایی آن‌ها فکر می‌کنیم و انگار نه انگار که هر روز کنترت تمام شدن آب قابل شرب، به صفر میل می‌کند. هنوز نمی‌خواهیم و دوست نداریم باور کنیم بحران آب از همه چیزهایی که می‌خوانیم به ما نزدیک‌تر است. برای همین به سادگی از کنار تمام هشدارها رد می‌شویم. با اینکه کم‌آبی و خشکسالی، خسارات جبران‌ناپذیرتری از سیل و زلزله بر جای می‌گذارد، ولی عادت کرده‌ایم تا بحران را به چشم خودمان نبینیم. اعتنایی نکنیم و کوچک‌ترین تغییری در سبک زندگی مان اعمال نکنیم. همه جریان از محله‌گردی هفتگی آغاز شد. حضور شهردار منطقه و تیم همراه در مسجد جوادالائمه (ع) و صحبت‌های «پیمان علی چاوپده» درباره مشکلات محله و هشدار انگیزترین خبری که تیر این روزهای ما شده است. بارش‌های فعلی کفاف تشنگی سدهای استان را نمی‌دهد. خشکسالی در راه است و... باز هم بی تفاوت از کنار آن می‌گذریم؛ انگار باید فاجعه باشد که کمی به خودمان بیاورد. قضیه برای خانواده چاوپده به قدری جدی است که تمام زمانی که پیمان علی تریبون را از آن خود دارد، از نگرانی اش برای نگهداری منابع آبی می‌گوید.

خانواده ساکن محله مصلاالگوی جدیدی
برای مصرف آب ارائه کردند

سفیران آب

۱. انتهای آب را باور نداریم

قرارمان بعد از بازدید همان روز در سرخس ۱۹ منزل «سفیران آب» هماهنگ می‌شود؛ این عنوانی است که اهالی روی خانواده کوچک و سه نفره چاوپده گذاشته‌اند.

جمعی صمیمی و آرام، با طرز تفکر متفاوت و روشی خاص در زندگی. این موضوع را می‌شود در همان زمان کوتاهی که میهمان‌شان هستیم، فهمید. تأکیدی که برای خاموش کردن برق وقت بیرون آمدن از آشپزخانه دارند و مهم‌تر از همه حرف‌هایی که درباره چگونگی مصرف کردن آب می‌زنند. این تقید و تعهد را در گفتار علیرضا، پسر جوان خانواده هم می‌شود حس کرد؛ وقتی درباره تشویق مردم به صرفه جویی راهکار می‌دهد. او که با وجود خامی روزهای جوانی معتقد است: اگر آگاهی اجتماعی برای چگونگی مصرف آب نباشد تاوانش، زندگی آینده و حیات خودمان را تهدید می‌کند.

۲. تفکیک آب شرب

پیمان علی چاوپده اصالتاً تربتی است و بازنشسته اداره پست تهران. پس از انتقال به مشهد چندسالی در شهرک شهیدر جایی ساکن بوده و بعد به این محدوده، یعنی محله کارمندان نقل مکان کرده است. او که این روزها دهه هفتاد زندگی اش را تجربه می‌کند، وقتی موضوع آب و کم‌آبی به میان می‌آید، مثل خیلی از بزرگ‌ترها خاطرات ریز و درشت زمستان‌های سرد و پربرف گذشته را به خاطر می‌آورد که آب فراوان بوده است. گفتن از این خاطرات بهانه می‌شود تا پای طرحی راه میان بکشیم که سال‌هاست در میان خانواده آن‌ها اجرامی‌شود و شاید به خاطر سختی‌هایی که دارد خوشایند خیلی‌ها برای زندگی نباشد. دوسطل آب در کنار هم، یکی برای شستشو و دیگری جمع‌آوری آب و وضو و آب شرب بدون چربی این‌روال همیشگی زندگی در خانواده چاوپده است. آب جمع‌آوری شده به این روش یا صرف آبیاری درخت‌های محله می‌شود یا برای شست‌وشوی ماشین و سرویس پله به کار می‌آید.

۳. آبیاری ۴۰ درخت با آب غیر شرب

در مجتمع آن‌ها غیرممکن است از آب شرب، به غیر از موارد ضروری استفاده شود. «پیمان علی» درخت‌ها را نشانه‌گذاری و مشخص کرده است. اینکه امروز نوبت آب کدماشان است. نزدیک به ۴۰ درخت را با این روش آبیاری می‌کند. می‌گوید: بارها دیده‌ایم همسایه‌هایی هیچ نگرانی و هراسی از بحرانی که در پیش داریم، برای شست‌وشوی ماشین و خودرو از آب شرب استفاده می‌کنند؛ شاید خیلی‌ها از کنار این موضوع راحت بگذرند، اما من و خانواده هر وقت به موضوعی برخوردیم، تذکر داده‌ایم. البته قضاوت خیلی از مردم این است که ما سخت می‌گیریم. استدلال‌شان هم این است در صد آبی که ما مصرف می‌کنیم و مصرف‌کننده هستیم به جایی بر نمی‌خورد.

